



سه شنبه - ۱۶ در ۱۳۹۴

۶۶

۶ ژانویه ۲۰۱۵

زن آزاد

نشریه

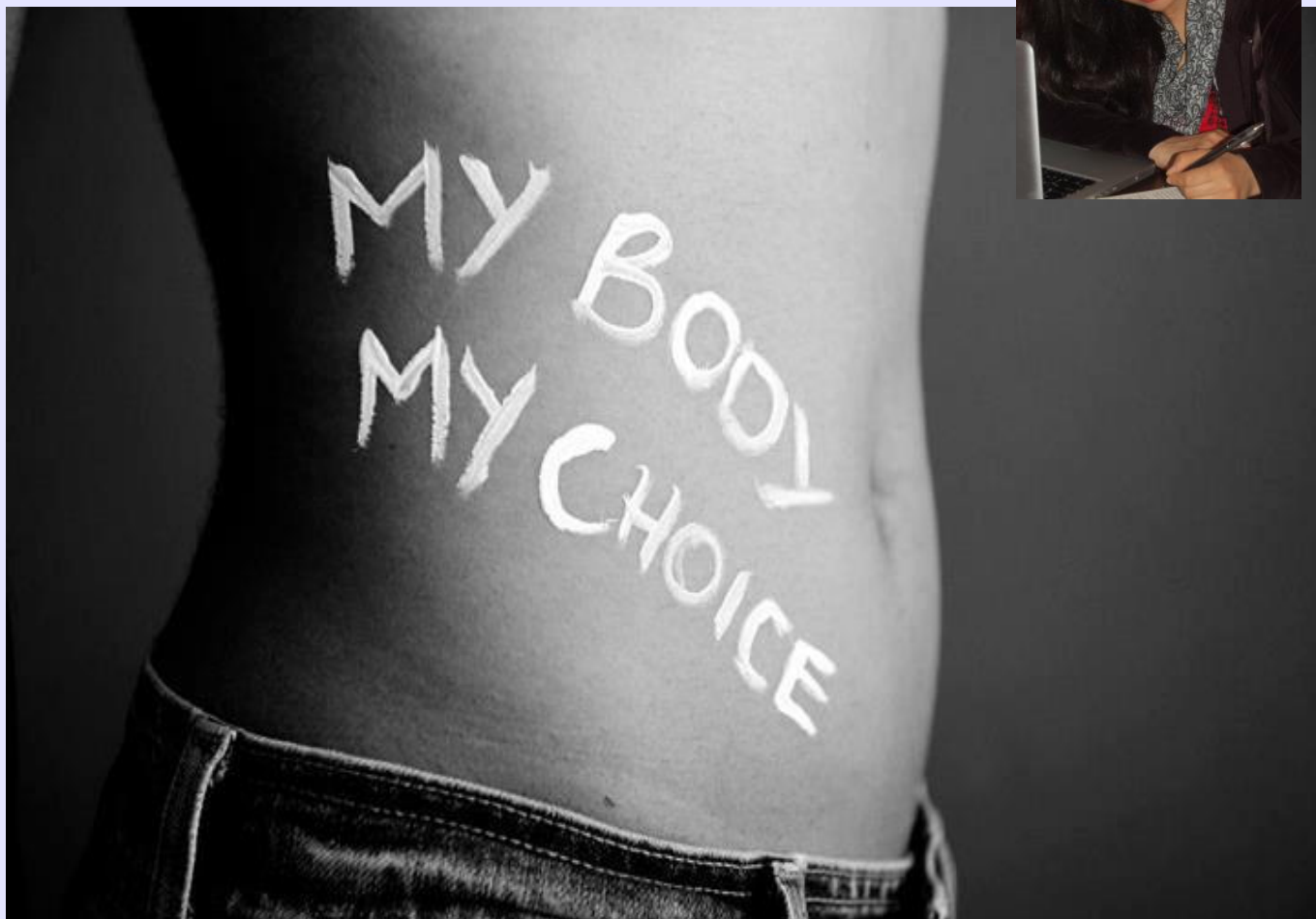
جنبش برابر رهایی زن

بدن من، حق من، انتخاب من



صدا، تفکر و بدن ممنوع!

لیلا یوسفی



پیروی کند، قوانینی که هدفی جز تحقیر و توهین به هویت و شخصیت او ندارد. زنان ایران، زنان خاورمیانه همه در تلاش اند تا بند توحش اسلامی را از پای حقوق خود باز کنند و برای همیشه رها بشوند. هرروز به نسل قبل و به فعالین جوانانی آزادی خواه تر و بدون تابو اضافه می شوند و مبارزه را به پیش می برند.

اکنون هر زن در ایران یک فعال حقوق خود است. همین که طرز پوشش را خودش انتخاب می کند. همین که زیر بار اسارت نمی رود و شجاعانه حق خود را طلب می کند. درجایی که صدایش را حرام می گویند، آواز می خواند و باوجود اینکه که او را از فعالیت های اجتماعی منع می کنند، همچنان در رشته ای موردعلاقه اش تحصیل می کند و به دنبال کار می گردد. بدون ترس و با اینکه می داند قانونی از او حمایت نمی کند، خود را از دست همسر آزاری و کتک و تجاوز خانگی آزاد می کند و مستقل در جامعه ای که او را فاحشه می خواند زندگی می کند. او می داند که زندگی و مبارزه اش به هم گره خورده است و لحظه ای از پای نمی نشیند. بدین ترتیب دوش به دوش یکدیگر علیه تمامی این ناحق ها و توحش ها ایستادگی خواهیم کرد.*

گاهی وقت ها باید تقویم را نگاه کنیم تا ببینیم آیا واقعاً در قرن بیست و یکم زندگی می کنیم؟! این نکته ی تلخی است. یکی از اساتید موسیقی مطرح و خوب ایران به دلیل داشتن گروه متشکل از دختران جوان موزیسین و خواننده و دفاع او از صدای زن در مصاحبه اش، ممنوع الخروج شد. درجایی دیگری زن هنرمند ایرانی عکسی برهنه گرفت و روزها و روزها است که از جانب تفکر اسلام زده و مردسالار مورد بدترین حمله های کلامی واقع شده است. فعالین حقوق کودک و زنان به خاطر تفکرشان در زندان های ایران در شرایط اسفبار و غیرانسانی قرار گرفتند. مدت ها است که بدون هیچ دادرسی در انفرادی هستند و بازجویی می شوند، به خاطر انسانیتشان، به خاطر تفکر و احساسشان و نه چیز دیگری. محرومیت یک موجود زنده از تمامی حقوق کاری غیرممکن است. شاید از سر اجبار برای گذران زندگی بجایی به سر بکشد تا بتواند در اجتماع رفت و آمد داشته باشد؛ اما با بدترین تهدیدها و بدترین جنایت ها مثل سنگسار و اعدام و اسیدپاشی، نمی توان جلوی صدا و تفکر و حق انتخاب او را نسبت به بدنش گرفت و مانند پرنده ای در قفس محبوس کرد. زن را وادار می کنند که از قوانین اسلامی



هشت مارس روز جهانی زن از راه می‌رسد!

مینا احمدی

فعالان و متحدان به استقبال این روز برویم!

می‌شوند و رسانه‌ها نوشتند در هند هر بیست دقیقه به یک زن تجاوز می‌شود، در ایران ریحانه جباری را که در مقابل قصد تجاوز یک همکار رژیم اسلامی از خود دفاع کرده بود، علیرغم اعتراضات میلیونی در سراسر دنیا بی‌شرمانه اعدام کردند، امسال در هشت مارس در ایران و در دنیا علیه تجاوز به زنان و دختران چه خواهیم کرد؟

گفتند و نوشتند که ازدواج کودکان دختر یک امر رایج در کشورهای اسلام زده است و وقتی سازمان ملل اخیراً این تجاوز به جسم و روح کودکان را ممنوع اعلام کرد، ایران و سودان به این قطعنامه رأی منفی دادند، در مقابل چشمان هراسان هزاران و یا میلیون‌ها کودک که مورد تجاوز رسمی قرار می‌گیرند چه خواهیم کرد و چه خواهیم گفت در هشت مارس امسال؟

ما در دنیایی زندگی می‌کنیم که نیمه بشریت دنیا به‌صرف زن بودن اذیت و آزار می‌بیند و در کشورهای قانون این نیمه انسان‌ها را، انسان حساب نمی‌کند و قتل آن‌ها را حلال و وجودشان را وسیله‌ای می‌داند که از سوی خدا برای خدمات دادن به مردان یعنی نیمه دیگر بشر، خلق شده‌اند، ما در دنیایی زندگی می‌کنیم که مذهب اسلام به‌ویژه اکنون و با رشد و قدرت گرفتن باندهای تروریست اسلامی و حکومت‌های اسلامی، دست اندازی وحشتناکی بر زندگی زنان می‌کند و عملاً جهنم را در این دنیا برای زنان سازمان داده و روزانه زنان را قربانی می‌کند و جسم و روح آن‌ها را نابود می‌کند. در هشت مارس امسال در این مورد چه خواهیم کرد؟

امسال در ایران برای برگزاری هر چه باشکوه‌تر و مؤثرتر مراسم و جشن‌های هشت مارس چه می‌کنیم؟ در شرایطی که حکومت از دست‌زنان عاجز و ذله است. در شرایطی که اسید پاشان در اصفهان، ظاهراً پیدا نمی‌شوند و خطر اسیدپاشی بر زندگی زنان در ایران سنگینی می‌کند، درحالی‌که برگزاری جلسه در مورد بررسی علل اسیدپاشی را ممنوع کردند و درحالی‌که زنان عملاً حجاب برگیران را در ایران شروع کرده‌اند و جنبش آزادی‌خواهانه و برابری طلبانه زنان، خواب خوش از چشم آخوند و دستگاه‌های عریض و طویل سرکوب حکومتی گرفته است...

امسال هشت مارس در ایران و در دنیا در رابطه با معضل زنان در کشورهای اسلام زده چه می‌کنیم؟ در شرایطی که داعش جلوی چشم بشریت متمدن چوب حراج بر تن و بدن زنان و دختران زد و حتی قیمت زنان را در یک صفحه کاغذ نوشت و پخش کرد، امسال دنیا قرار است چه کار کند و چه جوابی بدهد به صدها زن اسیر دست داعش که روزانه آن‌ها را تحقیر می‌کنند و آزار می‌دهند و دست‌به‌دست می‌کنند و وقیحانه به آن‌ها تجاوز می‌کنند؟ ما چه می‌خواهیم بکنیم در هشت مارس روز جهانی زن در سال ۲۰۱۵ در مقابل این تعرض وحشتناک به موقعیت و زندگی زنان؟

گفتند که یک زن ژاپنی در هند، یک ماه اسیر پنج مرد بود که روزانه به او تجاوز می‌کردند و اکنون با فرار این زن اعضای این باند آدم‌ربایی دادگاهی

کردن به نقطه قدرت‌ها و دستاوردهای جنبش برابری طلبانه زنان! از این هفته در هر شماره نشریه در مورد تدارک هشت مارس روز جهانی زن خواهیم نوشت و از شما دعوت می‌کنیم در مورد برنامه‌های خودتان، ایده‌ها و نظرات و پیشنهادات خود برای ما بنویسید.*

آنچه که مهم است روز هشت مارس روز ما است. این روز به همت پیشینیان ما به همت آزادی خواهان در دنیا تثبیت شده و باید از آن بیشترین استفاده را کرد برای مطرح کردن معضلات زنان، برای اعتراض کردن به این مشکلات و قوانین و سنت‌ها و حکومت‌ها، برای سازمان دادن خودمان و برای نگاه

درباره‌ی اعتراض برهنه

پ. کلمنتاینز

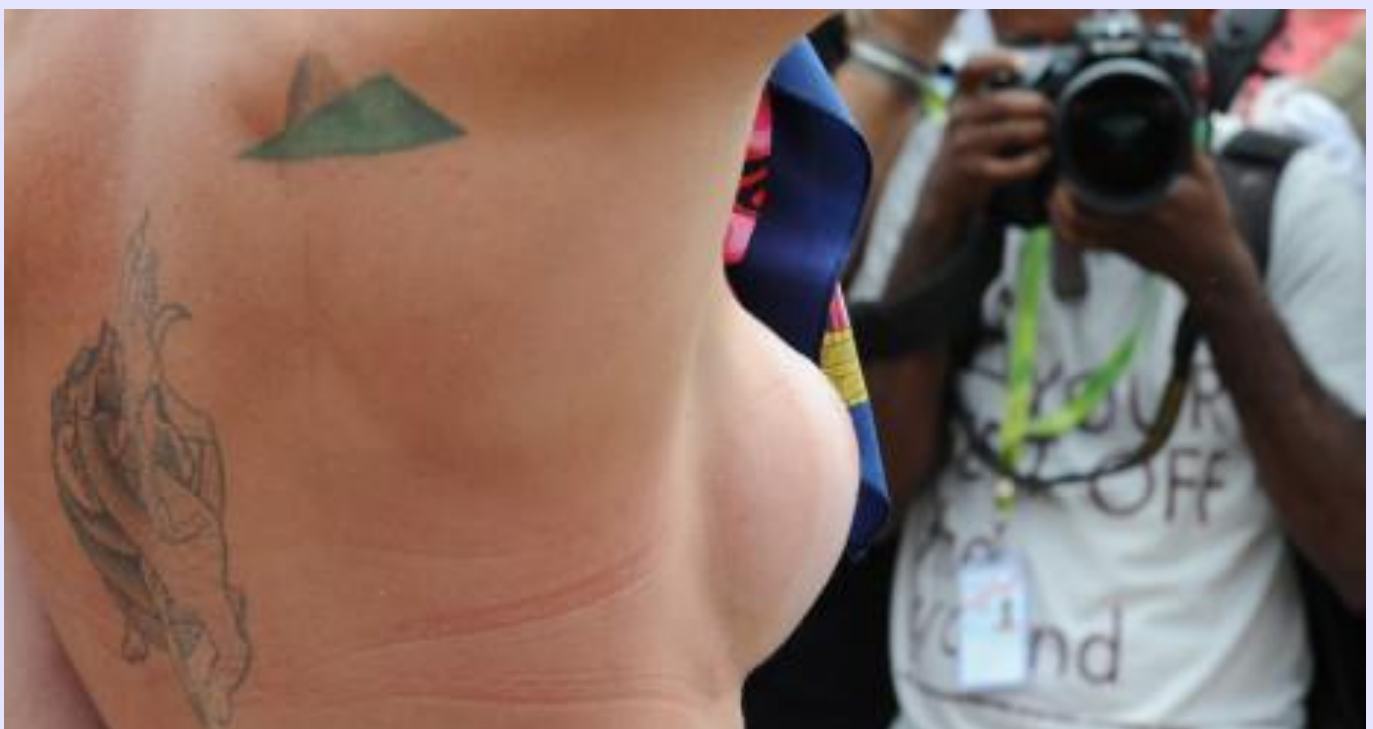
گرفت. در این چنین جوامعی که مذهب رکن اصلی جامعه را تشکیل می‌دهد، یک زن حتی برای ابتدایی‌ترین نیاز انسانی‌اش که سکس محسوب می‌شود، از خود استقلالی ندارد و با انجام آن تنها اتیکت از دست دادن باکرگی (در صورت وجود) بر او می‌خورد که حتی با فرض وجود باکرگی، از دست دادن یا حفظ آن امری کاملاً شخصی محسوب می‌شود که بازهم یک زن در جوامع مذهبی هیچ‌گونه حقی بر امور شخصی‌اش نداشته و نخواهد داشت. این فرض در صورتی محقق خواهد شد که لایه‌های مختلف جامعه شروع به فرهنگ‌سازی و بررسی و انتقاد و اعتراض از مشکلات اجتماعی کنند. که ریشه در مذهب و سایر فاکتورهای مؤثر بر واکنش‌های اعضای جامعه بر رخدادهای اجتماعی دارد. راه‌های مختلفی برای تحقق این هدف وجود دارد همچون رسانه‌های اجتماعی، مدارس، دانشگاه‌ها و اعتراض‌های اجتماعی همچون اعتراض برهنه که می‌تواند نوعی از این اعتراض‌ها باشد.

زنان تحت هیچ شرایطی نباید زیر بار این فرهنگ بروند و برای اثبات حقوق خود، باید مبارزه‌ی خود را علیه این تفکر با هر شکل اعتراضی از جمله اعتراض عریان ادامه دهند.*

نظر شما که در رشته‌ی روانشناسی جامعه تحصیل کرده‌اید، در مورد حق زن بر بدنش و اعتراض برهنه‌ی زنان چیست؟

چرا با وجود اینکه در قرن بیست و یکم زندگی می‌کنیم، واکنش جامعه یا بهتر بگوییم مردان نسبت به حق زن به بدنش در شرق و غرب دنیا هنوز باین همه تفاوت روبه‌روست؟

من فکر می‌کنم دلیل اصلی این نوع واکنش توهین‌آمیز نسبت به لخت شدن یک زن ایرانی فرهنگ مردسالارانه حاکم بر جامعه است که می‌تواند ریشه در فرهنگ اسلامی داشته باشد. در اجتماعی که بر اساس و پایه‌ی قوانین اجباری اسلامی بنا شده است اکثریت حقوق به مردها داده می‌شود. در این جوامع و فریم‌های فرهنگی معمولاً مرد نسبت به جسم و حتی در مواردی بر ذهن زن مالکیت دارد. به‌نوعی می‌شود گفت که مرد مالک و زن ملک محسوب می‌شود. معمولاً در قوانین اسلامی زن را وادار می‌کند برای انجام دادن امور احتیاج به اجازه‌ی مرد داشته باشد. مسلمانان دادن بدن هم می‌تواند شامل یکی از این امور باشد و صدر صد در مورد تأیید یک مرد ایرانی با تفکر مردسالارانه و فرهنگ اجباری اسلامی به‌هیچ‌وجه قرار نخواهد



اصرار بر باکره گی

کبر سلطانر



سایه مرگ دختر را تهدید می کند، پدر و برادرش او را خواهند کشت، رییس گفت از اینکه ما کشته شویم بهتر است، او کشته شود. یک قدم عقب تر ایستادم و به رییس گفتم مشاهدات ما را آن گونه ای که هست گزارش می دهیم. رییس اوراق را پاره کرد ...

همکارم کپی گزارش معاینات مبنی بر بی گناهی دخترک را به دونفری که از محکمه آمده بودند تحویل داد. از مادر دختر پرسیدم: حال با دخترتان چه می کنید؟ گفت: به همسرش تحویلش می دهیم. دختر مال مردم است بالباس سفید از خانه پدر می رود و با کفن سفید به گورستان. با خودم فکر کردم: آیا باید منتظر جسد این دختر باشیم که برای کالبدشکافی به طب عدلی فرستاده خواهد شد؟

این داستان هرروز به دفعات در هر گوشه ای از جهان تکرار می گردد. شاید به اشکال متفاوت ولی با مضمون واحد. آن کلمات را که دختر می گفت من جنس منظور کالا (هستم و اختیاری ندارم «در جامعه مردسالار ارزش صرف دارند.»

در جامعه طبقاتی و مردسالار و مذهبی زن کالایی بیش نیست و برای این کالا (زن) پرده بکارت ارزشی به شمار می آید که اگر ناقص باشد، دیگر آن «کالا» ارزش مصرف ندارد، یا بایست از رده بیرون و یا نابود گردد.

یکی از تبارزات مالکیت شخصی در جامعه طبقاتی این است که مالک بازور و قدرت ملکیتش را در تصاحب دارد، زن نیز در جوامع مردسالار جزئی از ملکیت مرد به حساب می آید که باید مثل زمین و فابریک و غیره وسایل



باکره گی و داشتن پرده بکارت در جوامع عقب مانده و مذهبی و جوامع ای که پرستش تابوها در آن مروج است یکی از پدیده های نهایت ضروری می باشد، داشتن پرده بکارت نشان از معصومیت و پاکی زن است.

واقعیت ۲۲ سال پیش را در اینجا برایتان بازگو می کنم. از زمانی که من بحیث پزشک قانونی در بخش طب عدلی ایفای وظیفه می نمودم. یکی از روزها که تازه داخل محوطه آزمایشگاه طب عدلی شده بودم، من و یکی از همکارانم به دفتر رییس آزمایشگاه فراخوانده شدیم. او به ما گفت: شکایتی از شوهر تازه عروسی که اتفاقاً پسرعموی او هم بود، مبنی بر اینکه عروس در شب زفاف باکره نبوده است در دست است. خانم در اتاق آزمایش منتظر معاینات طب عدلی در انتظار ماست و من و همکارم باید این خانم را معاینه کنیم و رئیسمان از ما خواست قبل از نوشتن گزارش معاینات باید با او را مجدداً ملاقات کنیم. ما وارد اتاق معاینه شدیم دخترک ۱۴ یا ۱۵ ساله با رنگ پریده و سفید، لب های خشک که اثرات دندان گزیدگی روی آن ها آشکار بود با چشم های اشک آلود روی چوکی آزمایشگاه بی قرار نشسته بود، خانم مسنی که خودش را مادر دخترک معرفی می کرد با گریه و التماس می گفت: این پسر یعنی همسر و پسرعموی این دختر به خاطر مناقشات خانوادگی، می خواهد فامیل ما را بدنام سازد و به نام اینکه دختر ما باکره نیست به «عزت» مردان خانواده ما لطمه زده و انتقامش را بگیرد و در صورت باکره نبودن دختر پدر و برادر دختر او را خواهند کشت. از خانم خواستیم تا به خاطر معاینات اتاق را ترک بگوید. ولی او همچنان التماس می کرد، از عروس کوچک پرسیدم: چرا با این پسر که مادرت می گوید با شما دشمنی دارد ازدواج کردی؟ با اشک هق هق زنان گفت: به اراده و خواست خود ازدواج نکرده ام. بعد از معاینات معلوم شد که بکارت این دختر هنوز کاملاً سالم و دست نا خورده بود.

ما راپورت مشاهدات خود را نوشتیم و برای گرفتن امضای رییس به دفتر او رفتیم. او از ما پرسید، نتیجه چه شد؟ گفتم دختر سالم است. گفت اوه ه ه ... این را گزارش ندهید. آن مرد قوماندان فلان جاست. اگر بنویسید پرده بکارت دختر سالم است، روزی ما را خواهد کشت. گفتم من زمانی که کار را در طب عدلی آغاز کردم، سوگند یاد کردم که خیانت نکنم و گذشته از آن

کنترل بکارت دختران دانش آموز را در دست اجرا دارد. بر مبنای این طرح هرساله بایست بکارت دختران ۱۶ تا ۱۹ ساله مورد بررسی قرار گیرد تا از فحشا و بی‌قیدی شایع جنسی جلوگیری به عمل آید. فسرول آزار از حزب اسلام‌گرای پ.ک.اس. به (جاکار تا پست) گفته است که بکارت، مقدس است. به این مفهوم که منافع و موقعیت اجتماعی او که با استیلا بر زندگی و اندیشه مردم توأم هست، مقدس می‌باشد.

این بینش مردسالارانه که مشروعیتش را از مذهب کسب می‌کند، برای عده‌ای به یک تجارت پر عایدات تبدیل شده است. دختران در آستانه ازدواج، برای جلب رضایت مرد و کسب امکان زندگی نرمال، ناگزیر می‌گردند برای ترمیم بکارتشان با پرداخت هزینه‌های سنگینی به جراحان مراجعه نمایند. حتی کارخانه‌هایی در چین اقدام به تولید انبوهی پرده‌های بکارت مصنوعی نموده و آن را وارد بازار کشورهای اسلامی عربی و آفریقایی نموده‌اند.

حفظ پرده بکارت تا قبل از ازدواج که تحت نظر خلفای «خدا» بر روی زمین صورت می‌گیرد، به سادگی تحمیل عقاید و بینش‌های نمایندگان طبقات حاکم می‌باشد که بامهارت به بینش آحاد جامعه تبدیل می‌گردد. این عمل چنان با برنامه تنظیم می‌شود که حتی خود زنان، بدون درک محتوای آن، پاسداری از آن را به عهده می‌گیرند.

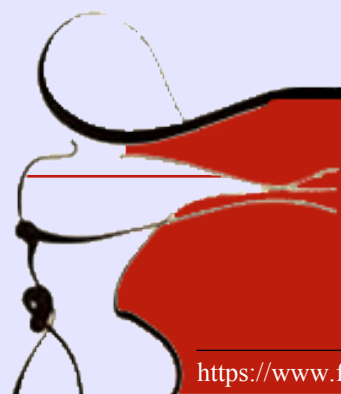
برای رهایی زنان از انقیاد مردسالاری، شکستن تابوی بکارت امری است لازم. پیش شرط این امر افشای ماهیت دین و مذهب است که یکی از رکن‌های مردسالاری و وسیله توجیه نگرش‌های غیرانسانی در مورد زنان می‌باشد. چون مردسالاری خودش زائده نظام طبقاتی است، در نهایت ناگزیریم برای شکستن آن از کوره‌راه مبارزه طبقاتی بگذریم.

حتی آزادی‌های نیم‌بندی وجود دارد ولی در مورد درست یا غلط بودن این تابوها حتی اظهار نظر ناممکن است، افکار عمومی جامعه بتواند قضاوت درست و آگاهانه‌ای درباره آن‌ها داشته باشد؛ اما در کشورهایی همچون ایران که حکومت ارتجاعی و مستبدی در آن حاکمیت دارد نه تنها کسی جرئت نقد تابوها را ندارد، بلکه خود حکومت تابو ساز و خرافه آفرین است. بر این اساس، بسیاری بر سنت‌های خرافه وار و تابوها پافشاری می‌کنند و آن‌ها را می‌پرستند.*

تولید، برای مالکش ارزش خلق کند، همان‌گونه که مالک دور زمینش، حیواناتش و فابریکش حصار کشی می‌کند تا از دست برد شخص دیگر در امان باشد زنش را نیز در چوکات خانه محصور می‌نماید. مردان حق دارند با زنان متعددی در رابطه باشد اما جسم زنش متعلق به اوست و او (مرد) به دستور معیارهای حاکم بر جامعه باید مواظب ملکیت خود بوده و مطمئن باشد که حتی پس از مرگش دارایی او به سلسله خونی خود او منتقل می‌گردد) گر چه از نظر علمی در واقع این تخم زن است که به اصطلاح تسلسل نسل را تضمین می‌کند، چون ژن‌های میتوکانداری در اسپرم، در حین ورود به تخمه، از میان می‌روند. (زن نه تنها وسیله تولید برای مرد است که مسئولیت نگهداری از طفل نیز بر او تحمیل می‌گردد. آن‌هم بدون آنکه حداقل از حق حضانت طفل برخوردار باشد. نقش مذهب هم در این میان این است که با وعده‌های میان تهی و سر خرمن، «بهشت زیر پای مادران است»، به تخیل ذهن او پرداخته و امکان هرگونه اعتراض را در او خفه کند؛ زیرا شرط رفتن به بهشت علاوه بر مواظبت از فرزند، راضی نگه داشتن شوهر هم می‌باشد.

در مذاهب تمام نیازهای طبیعی و هر نوع رابطه زن و مرد که خارج از دستورات دین باشند، فاسد شمرده می‌شود لذا زنان قبل از ازدواج باید باکره باشند؛ و باکرگی معیاری است که جوامع مردسالار و مذهبی، آن را برای پاکیزگی و صداقت زن برگزیده‌اند. این مکانیسمی برای کنترل جامعه و عقاید آن‌هاست، در غیر آن زنان عاصی و به ستوه آمده و با گذشتن از خط قرمز انضباط‌های اخلاقی جامعه طبقاتی و مذهب خطرناک شمرده می‌شوند زیرا تسلط و بهره‌کشی مردسالارانه را بر تمامی وجوه زندگی کنونی انسان‌ها را زیر سؤال برده و حاکمیت مذهب را به چالش می‌کشند. بر مبنای همین انضباط آهنین است که پدیده قتل‌های ناموسی از پدیده‌های رایج و پذیرفته شده در چنین جوامع می‌باشد تا زهرچشمی باشد برای کسانی که جرئت می‌کنند معیارهای اخلاقی آن جوامع را که اصول روبنایی آن را تشکیل می‌دهند، زیر پا گذاشته و با تأثیر بر روینا، زمینه تزلزل زیر بینای جوامع مردسالار که بالطبع طبقاتی هستند، مهیا نمایند.

تنها کشورهای جهان سومی نیستند که با این شیوه زنان را در انقیاد می‌کشند. در اندونزی رییس آموزش و پرورش آن کشور، محمد راسد، برنامه



zaneazad10@gmail.com

sahand.motlagh@gmail.com

milad.rabei@gmail.com

سر دبیر: لیلا یوسفی
همکاران سر دبیر: سهند مطلق
لیلا رابعی

زن آزاد

نشریه هفتنگر - جنبش برابر رهاش زن